مجله اقتصادی - ماهنامه بررسی مسائل و سیاستهای اقتصادی
شماره‌های ۹ و ۱۰، آذر و دی ۱۳۸۹، صفحات ۳۶-۱۷

تحلیل و بررسی جایگاه سازمان اوپک طی سال‌های آینده بر بازار نفت

مهری شکاری[۱]

این مطالعه به بررسی ساختار آینده سازمان اوپک با مطالعه وضعیت کنونی نیروهای موجود در این سازمان و تاثیر برایند این نیروها بر عملکرد سازمان و تجزیه و تحلیل توان فعلی اعضای آن از جهات مختلف اقتصادی و سیاسی می‌پردازد. در این پژوهش با توجه به شرایط و توان تولید اعضا و اهمیت افزایش وابستگی به‌تولیدات اوپک در سال‌های آینده با تحلیل سیاست‌ها و جایگاه فعلی این سازمان به بررسی موقعیت سازمان اوپک در سه جریان تقویت، انحلال و ادامه روند می‌پردازد و شرایط تحقق هر سه حالت را برای آینده اوپک بیان و درنهایت به این نتیجه می‌رسدکه بزودی به دلیل کاهش تولیدات غیر اوپک و افزایش وابستگی به‌تولیدات اوپک، این‌سازمان می‌بایست برنامه‌های گسترش سطح تولیدات و همچنین برای بهره‌مندی بیشتر اعضا از قیمت‌های بالاتر می‌بایست قدرت تأثیرگذاری سیاست‌های سازمان اوپک بر بازار نفت طی سال‌های آینده با شدت بیشتری اعمال گردد.

واژه‌های کلیدی: اوپک، عوامل درونی، بازار نفت، امنیت، قیمت نفت، ذخایر، تولید، ظرفیت مازاد، سازمان، ذخایر استراتژیک، عرضه، تقاضا.

۱. مقدمه

سازمان اوپک[۲] در ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۰ به ابتکار ونزوئلا تشکیل شد. از آغاز تاسیس اوپک به ویژه پس از افزایش قیمت نفت خام در سال ۱۹۷۴ همواره این موضوع برای کارشناسان نفتی مطرح بودکه آیا اوپک ابزارهای مناسبی برای هدایت بحران‌های حاصل از تغییرات قیمت نفت را در اختیار دارد؟

عملکردسازمان‌اوپک طی دو دهه‌اخیر به‌ویژه درسال‌های پس‌از ۱۹۷۹ (پیروزی انقلاب اسلامی) نشان می‌دهدکه این سازمان به‌رغم اختلافات درونی و عدم توافق کامل سیاسی میان اعضا مانند یک

۱.کارشناس ارشد علوم اقتصادی. mehrishekari@yahoo.com & mehri -12-mj@gmail.com

1.OPEC Organization Petrolum Exporting Countries

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

سازمان اقتصادی- سیاسی از موفقترین سازمان‌های مشابه در کشورهای جهان سوم و غیرمتعهد بوده است.

در این مطالعه برای دستیابی به یک چشم‌انداز وسیعتر از تحولات و سرنوشت سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک)، ابتدا وضعیت کنونی نیروهای موجود در اوپک و گرایش‌های مختلف آن در سازمان و نیز توان فعلی این سازمان از لحاظ اقتصادی و سیاسی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و سپس، با شرح تغییرات و تاثیرات متغیرهای مختلف از چگونگی و روند تحول این سازمان به نتیجه‌گیری از آینده این سازمان خواهیم پراخت.

مسائلی که اوپک را در دهه گذشته در معرض خطر قرار دادند و به عنوان دشمنان اصلی[1] آن محسوب شده‌اند عبارتند از:

۱. پیشرفت تکنولوژی در عملیات نفتی شامل مباحث اکتشاف، استخراج و تولید

۲. پیشرفت تکنولوژی سوخت شامل مباحث افزایش بهره‌وری و صرفه‌جویی

۳. گسترش فعالیت‌های کشورهای با اقتصاد متمرکز (سوسیالیستی) در بازارهای بین‌المللی نفت به عنوان صادرکننده عمده نفتی

۴. ورود کشورهای تولیدکننده نفتی غیراوپک به‌عنوان تعیین کننده اصلی قیمت دربازار بین‌المللی نفت

۵. جانشین شدن انرژی‌های دیگر به جای سوخت‌های نفتی

این موارد ازجمله عمده‌ترین عوامل تأثیرگذار بررفتار اوپک است که می‌بایست در سیاستگذاری‌های این سازمان مورد توجه قرارگیرد. در این مطالعه بابررسی عوامل فوق برای پژوهش و پیش‌نگری در خصوص آینده سازمان اوپک، تاثیر جریانات و عوامل مختلف تأثیرگذار بر سرنوشت سازمان در کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهیم.

پیش‌بینی این موضوع که آیا مبانی تشکیل سازمان می‌بایست تغییر کند و الزامات و امکانات جدید و یا متفاوتی برای تشکیل سازمان نوینی که اجرای وظایف کنونی را نیز به عهده بگیرد پدید آمده است و یا سازمان کنونی می‌تواند گسترش یابد و یا در وضعیت فعلی خود باقی بماند، از جریانات تاثیرگذار برای بررسی جایگاه این سازمان در آینده است.

در بخش اول این مطالعه، علل عدم تجانس ساختاری بین اعضای اوپک را مورد بحث قرار می‌دهیم و در بخش دوم با بررسی آثار متغیرهای خارجی و درونی و شرح و تفسیر آثار این متغیرها

---

۱. در این تقسیم‌بندی تنها جهات اقتصادی و تکنولوژیک مطرح شده است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

می‌پردازیم. دربخش سوم، نگاهی بر ساختار آینده اوپک بر بازار نفت داریم ونهایت، به نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات می‌پردازیم.

۲. عدم تجانس ویژگی‌های ساختاری کشورهای عضو[۱]

ازجمله گرایش‌های مختلف و نیروهای فعال در اوپک که موجب انسجام و یا انحلال این سازمان می‌شوند می‌بایست دو خط عمده را عنوان کرد. برخی از اعضای این سازمان دارای جمعیت به‌نسبت زیاد و منابع نفتی محدودی هستندکه نیجریه، اندونزی و الجزایر در این گروه قرارمی‌گیرند. درمقابل، کشورهایی نیز وجود دارندکه‌کم جمعیتند و منابع نفتی قابل‌ملاحظه‌ای دارندکه عربستان سعودی، کویت، امارات متحده عربی و قطر را می‌توان در این گروه قرار داد (درخشان، ۱۳۸۱).

بدیهی است این کشورها به دلیل مسائل بنیانی متفاوت، اهداف نفتی مختلفی را دنبال می‌کنند و استراتژی‌های متمایزی را در نظر دارند. گروه نخست واقف است که پس از اتمام و یا تقلیل منابع خود نمی‌تواند نقشی در یک سازمان مرکب از صادرکنندگان نفت داشته باشد و در شرایط کنونی نیز می‌بایست نفت محدود خود را به بالاترین قیمت بفروشد. این گروه، سازمان اوپک را به عنوان تعیین‌کننده قیمت‌های بالاتر و تداوم بخش عرضه در بازار جهانی می‌داند. گروه دوم، به افق‌های دورتر می‌نگرد و این توانایی را دارد که از منافع امروز برای تأمین منافع بیشتر فردا چشم‌پوشی کند و بروز کشمکش‌هایی را در بازار تحمل نماید.

این افتراق در دیدگاه‌ها طی دهه اخیر بیش ازگذشته نمایان شده است زیرا از یک سو نیازهای مالی کشورهای صادرکننده افزایش یافته است و از سوی دیگر، پیشرفت‌های تکنولوژیک موجب می‌شود تا دستیابی به منابع جدید انرژی و یا استحصال ارزان‌تر انرژی‌های اولیه به‌سرعت افزایش یابد. در نتیجه، بروز این نگرانی که نفت در آینده نزدیک نفت به سرنوشت زغال‌سنگ دچار شود اجتناب‌ناپذیر است و نه‌تنها این عنصر مهم از فهرست کالاهای استراتژیک و حیاتی حذف می‌شود، بلکه ارزش ذخایر عظیم کنونی به قدری تقلیل می‌یابد که استخراج آن نیز به صرفه نخواهد بود.با توجه به موارد یاد شده، ایجاد هماهنگی بین اعضای اوپک در این مقطع زمانی با موانع متعددی (با توجه به عمر ذخایر و تولید فعلی) مواجه است.

باکاهش تولید کشورهای عمده صنعتی (مانند آمریکا)، کشورهایی که توانایی تولید چند برابر را دارند (و اغلب عضو اوپک هستند) به تولید بیشتر اقدام می‌کنند و با توجه به اینکه کشورهایی که

۱. بحران نفتی آینده، فریدون برکشلی

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

طی دو دهه آینده قادر به تولید بیشتر هستند مکزیک، نروژ و تونس خواهند بود- که مکزیک و نروژ ظرفیت افزایش تولید فعلی خود را ندارند و صرف هزینه زیادی برای افزایش ظرفیت آنان لازم است – بنابراین، تأمین تقاضای جدید در بازار تا قرن آینده به عهده کشورهای عضو اوپک خواهد بود.

به نظر می‌رسدکه کشورهای صنعتی غربی در بین کشورهای با برنامه‌ریزی متمرکز توانسته‌اند از طریق کشورهای دوست یا وابسته بین اعضای اوپک پایگاه‌هایی در این سازمان به دست آورند و تأثیراتی را نیز بر روند فعالیت‌های آن بر جای بگذارند. بدیهی است که توسعه شکاف بین اعضا می‌تواند نفوذپذیری سیاست‌های آن را کم کند و نقش سازمان را در اداره بازار نفت کاهش دهد.

۳. متغیرهای مؤثر خارجی و درونی

در یک دیدگاه میان‌مدت یکی از حالت‌های زیر برای آینده سازمان کشورهای صادرکننده نفت (اوپک) قابل پیش‌بینی است:

- وحدت بیشتر بین اعضا، عضویت کشورهای جدید و تقویت موضع این سازمان در صحنه بین‌المللی
- بروز تضاد بیشتر در بین اعضا، خروج برخی ازکشورها و تضعیف سازمان در حد یک سازمان برقرارکننده برخی تماس‌ها بین کشورهای عضو وکشورهای خواهان نفت و صادرکنندگان غیر اوپک
- تجزیه سازمان به چند سازمان مختلف منطقه‌ای که هر یک از این سازمان‌ها برخی یا تمام اهداف اوپک را تعقیب می‌کنند

مهم‌ترین متغیرهای مؤثر در تحول سازمان اوپک در آینده را می‌توان به این شرح عنوان کرد:

۱. عوامل سیاسی
۲. عوامل اقتصادی (عرضه و تقاضا)
۳. امنیت صدور نفت
۴. روند تحول قیمت‌های نفت در بازار جهانی
۵. عوامل فرهنگی (ازجمله اعتقادات ایدئولوژیک و مذهبی و تحولات آن در مناطق نفت‌خیز)
۶. چگونگی کشف منابع جدید انرژی به ویژه نفت و گاز
۷. چگونگی تحولات تکنولوژیک
۸. تحولات تولید کشورهای غیر اوپک و چگونگی همکاری با اوپک

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

۹. تغییرات در ظرفیت های مازاد تولید در کشورهای عضو اوپک

۳-۱. عوامل سیاسی

براساس برآوردها و محاسبات انجام شده بیشترین ذخایر کشف شده نفتی درگذشته، حال و آینده در منطقه خاورمیانه قرار دارد. جدول (۱)، موضوع سطح ذخایر اثبات شده دنیا طی سال‌های (۲۰۰۱-۲۰۰) را به وضوح برای سازمان اوپک و اعضای خاورمیانه آن نشان می‌دهد. ستون آخر این جدول، سهم خاورمیانه در سال ۲۰۰۸ را معادل ۵۹/۹ درصد اعلام می‌کند و برای کل اوپک، ۷۶درصد از کل ذخایر دنیا در سال ۲۰۰۸ را اعلام می‌کند که در مقایسه با سهم دیگر مناطق دنیا از بالاترین میزان برخوردار است و در عین حال اختلاف بسیار زیادی نیز با دیگر مناطق دنیا دارد که تأکیدی برای پذیرش این ادعا است.

جدول ۱. سطح ذخایر اثبات شده کل دنیا طی سال‌های (۲۰۰۱- ۲۰۰۰)

	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	درصد سهم درسال ۲۰۰۸
کل خاورمیانه	۶۹۲/۹	۶۹۸/۷	۷۳۰/۶	۷۴۶/۳	۷۵۰/۲	۷۵۴/۵	۷۵۶/۳	۷۵۵	۷۵۴/۱	۵۹/۹
کل جهان	۱۱۰۴/۵	۱۱۳۳	۱۱۸۰	۱۲۰۶/۳	۱۲۱۱/۳	۱۲۲۰/۳	۱۲۴۰/۶	۱۲۶۱	۱۲۵۸	۱۰۰
کشورهای توسعه‌یافته صنعتی	۹۳/۳	۹۱/۶	۸۸/۴	۸۴/۶	۸۱/۹	۸۱/۸	۸۹/۵	۹۰/۳	۸۸/۹	۷/۱
اوپک	۸۵۱	۸۶۰/۷	۸۹۷/۳	۹۱۷/۴	۹۲۳/۳	۹۳۰/۹	۹۴۰	۹۵۷/۱	۹۵۵/۸	۷۶
غیراوپک	۱۶۵۸	۱۶۵/۱	۱۶۰/۳	۱۶۳/۱	۱۶۲/۸	۱۶۳/۱	۱۷۲/۸	۱۷۴/۷	۱۷۴/۴	۱۳/۹

مأخذ: نتایج تحقیق.

از این رو، منطقه خاورمیانه به دلیل داشتن بالاترین سطح ذخایر نفت دنیا از دیرباز تحت تأثیر تحولات سیاسی قرار داشته. بنابراین، اثر این تحولات به طور مستقیم بر مسائل تولید، عرضه و قیمت نفت در بازار جهانی بسیار تأثیرگذار بوده است.

پس از جنگ اعراب و اسرائیل (۱۹۷۳) و تحریم نفتی اعراب[1] و افزایش قیمت نفت به‌صورت جهشی در فاصله سال‌های (۱۹۷۸-۱۹۷۴)، قیمت‌های نفت روندی متعادل را نشان می‌دهد. با آغاز انقلاب اسلامی در ایران و پیروزی آن در سال ۱۹۷۹، روند صعودی قیمت نفت آغاز شد و با جهش

۱. این تحریم ابتدا از جانب کشورهای عضو سازمان کشورهای عرب صادرکننده نفت (OAPEC) نسبت به تعدادی از کشورهای غربی از جمله ایالات متحده امریکا برقرار شد که عرضه نفت در بازارهای جهانی حدود ۳ تا ۴ میلیون بشکه کاهش یافت.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در سطحی به مراتب بیشتر از رشد تورم، کاهش نرخ برابری دلار و کاهش قدرت خرید کشورهای جهان سوم را موجب شده است که حاکی از تأثیر عمده عوامل سیاسی (بدون احتساب عوامل اقتصادی) بر قیمت نفت است.

در سال‌های پس از ۱۹۷۹، مسیر تحولات قیمت تحت تأثیر عوامل اقتصادی (مانند رشد اقتصادی، رشد مصرف انرژی در جهان) قرار داشت و آثاری در جهت کاهش قیمت‌های نفت به صورت پلکانی و تدریجی بر جای گذاشته است.

تحولات قیمت نفت و سقوط قیمت‌ها در سال۱۹۸۶ نیز معلول عوامل سیاسی است به این صورت که این بار تشنج سیاسی و اختلافات عقیدتی به صورت تحمیل شده از جهان خارج به‌صورت مستقیم به درون اوپک سرایت کرده و به صورت عوامل سیاسی درونی نمایان شده است و به همین دلیل تحت تأثیر این پدیده مهم قیمت نفت ناگهان در قالب به‌دست آوردن سهم مناسب از بازار نفت سقوط کرد. سقوط شدید قیمت‌ها در سال ۱۹۹۹ نیز بیشتر تحت تأثیر جریانات اقتصادی از جمله بحران مالی آسیا بود که اوپک در این دوره، ۱۰ درصد سهمیه تولیدی اعضا را افزایش داد. در پی این کاهش مجدداً اوپک با بکارگیری سیاست کاهش ۴/۲ میلیون بشکه در تولیدات، از سقوط قیمت‌ها جلوگیری کرد. حمله به برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، زمینه کاهش قیمت‌ها و نزول آنها را فراهم ساخت که این کاهش در پس جریانات سیاسی بازار بود و سپس، مجدد با حمله امریکا به عراق درسال ۲۰۰۳با هدف کنترل ذخایر نفت این کشور، روند صعودی قیمت‌های نفت آغاز شد. دربررسی علل بروز شوک‌های پیش، بازار نفت نقش عوامل سیاسی و اقتصادی را می‌توان به وضوح تشخیص داد به‌گونه‌ای‌که تأثیر عوامل سیاسی در برابر برخی از این شوک‌ها بیشتر است و در برخی دیگر، عوامل اقتصادی نقش بیشتری دارند. اما، نکته قابل توجه این است که شوک‌های ناشی از جریانات سیاسی، نوسان‌های بیشتری را نسبت به شوک‌های ایجاد شده تحت تأثیر عوامل اقتصادی بر بازار ایجاد کرده‌اند.

با توجه به اینکه توانایی‌های سازمان برای انجام برخی مانورهای سیاسی در مقاطعی از تاریخ حیات این سازمان عمدتاً به واسطه سهم بسیاری است که از بازار جهانی نفت در دست دارد و به این دلیل که کشمکش‌ها و مناقشات سیاسی بین اعضا نیز طی سال‌های اخیر افزایش یافته بنابراین، توانایی کنترل سازمان را نیز مورد تهدید قرار می‌دهد. بنابراین، ادامه روند فعلی می‌تواند فعالیت‌های سازمان را در سال‌های آینده به میزان زیادی کاهش دهد. به این جهت، روابط کشورهای عضو با یکدیگر (در مناطق مختلف جغرافیایی) و تقویت منافع منطقه‌ای آنان نیز می‌تواند منجر به تحکیم

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

پیوندهای موجود بین اعضا و گرایش به ورود کشورهای دیگر به درون سازمان شود و در آینده باعث تقویت موضع و بالا بردن حیثیت و اهمیت این سازمان در آنچه در ابتدای تشکیل اوپک می‌توانست موجب تحکیم پیوندهای میان اعضای آن سازمان شود و تقویت مبانی اولیه‌ای که سازمان بر اساس آن تشکیل شده است. همان گونه که شرح داده شد، پیدایش سازمان اوپک براساس انگیزه‌های اقتصادی کشورهای تشکیل‌دهنده این سازمان بود که بعدها اعضای دیگر نیز این مبانی را پذیرفتند.

۳-۲. عوامل اقتصادی

درحال حاضر از دیدگاه اقتصادی سازمان اوپک که زمانی به‌عنوان «کارتل» مرکب از تولیدکنندگان در بازار بین‌المللی عمل می‌کرد به مجموعه‌ای از کشورهای تولیدکننده و مصرف‌کننده تبدیل شده است و بالا رفتن مصرف اعضا در حقیقت قدرت اقتصادی و چارچوب عملکرد آنان را در بازار محدود می‌کرد نیازمندی آنان را به استفاده از این منبع انرژی افزایش داده است. این تحول و برخی عوامل دیگر موجب شد تا بازار تحت کنترل تولیدکنندگان به بازار تحت کنترل مصرف‌کنندگان به‌ویژه کشورهای صنعتی که حافظ منافع و هماهنگ‌کننده فعالیت‌های مصرف‌کنندگان برای حفظ سلطه بر بازار انرژی[1] هستند، تغییر کند.

با توجه به موارد یاد شده، سازمان اوپک می‌تواند تحت فشارهای محدودکننده در بازار و عوامل دیگر تضعیف شود و برخی اعضا از آن خارج شوند. به طور قطع، بروز چنین عواملی قدرت اقتصادی سازمان را محدود می کند و از این رو هماهنگی و تبانی بین اعضا و مدیریت و روابط بین آنها از سوی اوپک از جمله ابزار توفیق سیاستگذاری‌های اوپک خواهد بود.

۳-۳. ظرفیت‌های مازاد تولید و آثار آن بر بازار نفت

پیش از شوک دوم و در جریان آن در سال ۱۹۷۹ به دلیل سیاست‌های صرفه‌جویی و نیز بکارگیری انرژی‌های جانشین شونده (به دلیل قیمت بالای نفت و اقتصادی شدن بهره‌گیری از برخی انرژی‌های دیگر) و کاهش رشد مصرف انرژی به تدریج قدرت جذب عرضه در بازار نفت کاهش یافت و کشورها تولید خود را کاهش دادند. سازمان اوپک نیز برای کنترل قیمت‌ها به برقراری سهمیه‌بندی برای اعضا اقدام کرد به‌گونه‌ای که در سال ۱۹۸۶، کشورهای عضو اوپک از ۴۰-۳۰ درصد کمتر از ظرفیت تولیدی خود بهره‌برداری کرده‌اند. عربستان‌سعودی نیزبه‌عنوان تولیدکننده نهایی عمل می‌کند

۱. عموماً این هماهنگی‌ها از طریق آژانس بین‌المللی انرژی (International Energy Agency) انجام می‌گیرد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

و تولید خود را براساس وضعیت بازار و در جهت حفظ قیمت‌های نفت در سطح فعلی تنظیم می‌کند. بکارگیری این سیاست، زمینه ایجاد ظرفیت مازاد تولید را برای اعضا فراهم ساخت. ظرفیت‌های مازاد تولید از جمله عمده‌ترین ابزار برای رفع عدم تعادل‌های کوتاه مدت بازار نفت در اختیار اوپک است ویکی از عمده‌ترین دلایل افزایش قیمت‌ها درسال‌های اخیر نیزکاهش شدید ظرفیت‌های مازاد تولید اعلام شده است و انتظار می‌رود در سال‌های اخیر با ادامه رشد تقاضا، قیمت ۲۰۰ دلار برای هر بشکه نفت نیز قابل پیش‌بینی باشد. ظرفیت‌های مازاد تولید، عامل ایجاد کننده امنیت روانی بازار نفت است که فقدان آن مانند سال‌های اخیر زمینه افزایش قیمت‌ها را به دلیل افزایش نگرانی از کمبودعرضه در برابر تقاضا برای مقابله با خروج‌های ناگهانی عرضه نفت از بازار ایجاد می‌نماید (شکاری، ۱۳۸۷).

ازسوی دیگر، کشورهای صنعتی غرب و ژاپن نزدیک به چهارماه مصرفشان را به عنوان ذخیره استراتژیک نفت دارند که در مخازن مختلف زیر زمینی و دریایی نگهداری می‌کنند. سطح ذخایر استراتژیک تأثیر بسیاری بر تصمیم‌گیری اعضای اوپک برای نگهداری ظرفیت‌های مازاد تولید دارد. هر دو متغیر ظرفیت‌های مازاد تولید و ذخایر استراتژیک، ابزار کنترل عرضه در برابر رشد تقاضا برای جلوگیری از افزایش قیمت‌ها می‌باشند. بررسی سیاست‌های اعضای اوپک درتعیین سطح ظرفیت‌های مازاد تولید و سیاست‌های‌آژانس انرژی برای‌تعیین ذخایر (SPR)[1] می‌تواند موضوع مطالعات بعدی قرارگیرد. اما، وجود ظرفیت‌های مازاد تولید برای بازار نفت به دلیل نااطمینانی‌های رایج در آن ضروری است و ابزاری برای کنترل بازار در برابر خروج‌های ناگهانی عرضه قرار دارد که فقدان آن منجر به از میان رفتن تعادل روانی بازار و گسترش نگرانی‌ها از کمبود عرضه در آینده می‌شود.

۳-۴. روند تحول قیمت‌های نفت در بازار جهانی

پیش‌بینی می‌شود در آینده، قیمت نفت به‌عنوان یکی از متغیرهای مؤثر در سرنوشت سازمان اوپک مطرح شود به این دلیل که قیمت این کالا از جهت اقتصادی مانند برخی کالاها در بازار تنها متأثر از عرضه و تقاضایش نیست بلکه عوامل دیگری مانند عوامل سیاسی و روانی نیز در تحولات و نوسان‌های قیمت‌های آن بسیار مؤثر است.[2] بدیهی است برخی از این نوسان‌ها که به دلیل بروز

1. Strategic Petroleum Rexerve

۱. تغییر احمد زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی در سال ۱۹۸۶، از قیمت‌های نفت در بازار بین‌المللی تا یک دلار در هر بشکه است.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

تردید در بازار نفت و یا احتمال وقوع حوادث و یا تحولاتی سیاسی در یک کشور و یا منطقه پدید می‌آید گذرا است و نمی‌تواند در مکانیزم‌های اصلی قیمت‌گذاری بازار آثار مستمری بر جای گذارد، اما به هرحال در جریان این نوسان‌ها علاوه براینکه میلیون‌ها دلار اختلاف در قیمت‌ها به جیب تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان به ویژه دلالان سرازیر می‌شودگاه آثار میان‌مدتی نیز بر روند قیمت‌ها و پیش‌بینی‌های عرضه و تقاضا دارد. به همین لحاظ همواره در بازار بین‌المللی نفت این موضوع بین گروه‌هایی از کشورهای تولیدکننده نفت و در سازمان اوپک مطرح بوده است که کدام یک از روش‌های زیررا می‌بایست برای تعیین قیمت مناسب درپیش‌گرفت؟

۱. تعیین قیمت را بر عهده عرضه و تقاضا در بازار گذاشت و با کنترل عرضه قیمت متناسب و مطلوب را که حداکثر منافع را برای اعضای اوپک کسب می‌نماید در بازار برقرار کرد.

۲. علاوه‌برکنترل عرضه دربازار، قیمت را نیزتعیین کردتا این‌دوعامل‌موجب‌کنترل یکدیگر شده و قیمت در بازار بین‌المللی نفت تثبیت شود.

بهره‌گیری از هر یک از این مکانیزم‌ها به عدم حضور تولیدکنندگان دیگر در این بازار بستگی دارد، زیرا تولیدکنندگان دیگری خود را موظف به پیروی از تصمیمات اوپک نمی‌دانند برای کسب منافع بیشتر می‌توانند بازار را مختل کنند. بنابراین، محاسبه میزان عرضه و حدود قیمت موضوعی بسیار پیچیده و وابسته به متغیرهای متعدد است. سازمان اوپک چندین مرتبه به تعیین قیمت نفت اقدام نمودکه البته در دهه ۱۹۷۰ با توجه به تقاضای روزافزون بازار و نیز عدم ظرفیت مازاد تولید نیازی به تعیین سهمیه تولید وجود نداشت. هرچندکه شوک نفتی ۱۹۷۹ به دلیل حفظ منافع اعضا و تثبیت قیمت به تعیین سهمیه بین اعضا و درنظرگرفتن سقفی برای تولید اوپک منجر شد. به این جهت، تعیین قیمت موضوعی بسیار پیچیده است اما، پیش‌بینی روند آن تأثیر بسزایی در تعیین عرضه برای آینده و کنترل عدم تعادل‌های آینده بازار نفت را دارد. با توجه به اینکه سیر تولید نزولی حوزه‌های تولیدی غیر اوپک آغاز شده و با توجه به رشد تقاضا در آینده انتظار می‌رود که افزایش وابستگی به تولیدات اوپک در آینده قطعی باشد و از این رو بروز شرایطی مانند شوک نفتی ۱۹۷۳ و انتظار افزایش قدرت اوپک بر تولیدات بازار و نظام قیمت‌گذاری نفت دور از انتظار نیست.

۳-۵. مکانیزم عرضه و تقاضا و روند تغییرات قیمت‌ها

باتوجه به موضوعات مطرح شده، در صورتی‌که عوامل روانی در بازار نفت مورد توجه قرار نگیرد و تنها به چگونگی عرضه و تقاضا و روند آن توجه شود می‌توان به دیدگاه بلندمدتی از ثبات قیمت‌ها

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

و تثبیت وضعیت اوپک و نیز افزایش نقش این سازمان در بازار بین‌المللی نفت دست یافت. در این بازار اگرچه مکانیزم‌های موجود اعم از عرضه و تقاضا و عوامل دیگر (مانند کاربرد ذخایر استراتژیک، شرایط بازار نفت از جهت روانی و اطمینان از ثبات بازار) به‌گونه‌ای عمل کنندکه اوپک بتواند ضمن اعاده تدریجی سهم گذشته خود در بازار سال ۱۹۷۹ قیمت‌های نفت خام را از سطح کنونی مطابق با نرخ تورم جهانی افزایش دهد، توانایی‌های اوپک این سازمان را به یک اهرم اقتصادی مهم در بازار بین‌المللی تبدیل می‌کند. در این شرایط سازمان قدرت لازم برای کنترل بازار و افزایش نفوذ اقتصادی خود از لحاظ عضوگیری جدید و فعالیت بیشتر جهت کسب حداکثر منافع اعضا را به‌دست می‌آورد.

موضوعی که اغلب صاحب‌نظران امور انرژی در مورد آن تردید دارند این است که سازمان اوپک بتواند با یک بحران نفتی دیگر مانند سال ۱۹۸۶ که قیمت نفت را به سطحی کمتر از $\frac{۱}{۳}$ رسانده بود، مقابله کند و انسجام و کارایی خود را حفظ نماید، زیرا عوامل اقتصادی و سیاسی که موجب سقوط قیمت‌های نفت شد در حال حاضر نیز به صورت بالقوه وجود دارد. از سوی دیگر، چنانچه با افزایش بحران در خلیج فارس علاوه بر آسیب پذیری خطوط لوله نفت که نفت خام این منطقه را به خارج منتقل می‌سازد، در آینده قابلیت تولید و نیز اعتماد به نفس تولیدکنندگان با خطر جدی مواجه می‌شود و ممکن است قیمت‌ها به میزان غیرقابل پیش‌بینی افزایش یابد. در هر دو حالت و با توجه به شرایط عمومی تخاصم سیاسی در اوپک و جناح‌بندی‌های موجود در این سازمان که عمدتاً کارایی خود را در مقابله مؤثر با این نوسان‌ها به نمایش گذاشته است، روحیه دلسردی و سرخوردگی نسبت به عملکرد و آینده اوپک در بین اعضا به وجود خواهد آمد و این سازمان به‌صورت غیرفعال و تشریفاتی در انتظار شرایط مناسب‌تری برای آینده باقی خواهد ماند.

در رابطه با بروز وضعیت بحرانی برای قیمت‌های نفت که منجر به انحلال و تجزیه سازمان اوپک می‌شود می‌بایست یادآوری کردکه علاوه براختلاف منافع تولیدکنندگان، وابستگی کشورهای مختلف به نفت وارداتی نیز با یکدیگر متفاوت است. بنابراین، واکنش کشورهای مختلف به ویژه کشورهای صنعتی که واردکنندگان عمده نفت درجهان می‌باشند (به استثنای آن دسته از کشورهایی که منابع هیدروکربوری نسبتاً کافی دارند) در رابطه با تحولات شدید قیمت‌های نفت متفاوت خواهد بود.

درصورتی‌که قیمت‌ها به صورت تدریجی و براساس منطق بازار افزایش یابد، بیشترین منافع را برای اعضای اوپک درپی خواهد داشت و کشورهای عضو با استفاده از ثبات بازار و سیر قیمت‌ها

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

نسبت به تأمین منافع آتی خود از طریق سازمان اوپک اقدام نمایند و برای این مجمع ارزش بیشتری قائل شوند. اما، افزایش شدید قیمت‌ها که بی‌شک ناشی از عوامل غیر اقتصادی (مانند درگیری بین کشورهای خلیج فارس و تحولات سیاسی وسیع درکشورهای عمده نفت‌خیز مانند عربستان سعودی) است نمی‌تواند یک روند سالم تحول قیمت‌ها تلقی شود و تبعات نامطلوب مختلفی را در پیش دارد.

در این شرایط، برخی از کشورهای عضو که نیازهای مالی بیشتری دارند به عرضه بیشتر نفت می‌پردازند و بازار را در جهت اشباع بیشتر سوق می‌دهند و خریداران نفت نیز به دلیل نگرانی از افزایش سریع قیمت‌ها بر خریدهای خود می‌افزایند. واضح است که این سیر تحولی به‌دلیل جوهر غیراقتصادی‌اش نمی‌تواند تداوم یابد و در نهایت، بر عدم تفاهم بیشتر میان اعضای اوپک و عدم کارایی بیشتر برای این سازمان بر جای خواهد ماند. اگرچه افزایش قیمت‌ها در شوک‌های اول و دوم نفتی اعضا را نسبت به عملکرد سازمان دلگرم ساخت، اما در شرایط کنونی این تحول نمی‌تواند در بلندمدت و میان‌مدت برای اعضا سودمند باشد، زیراکشورهای صنعتی برای مقابله با صعود ناگهانی قیمت‌ها که می‌تواند زیان‌های غیرقابل جبرانی به اقتصادشان وارد سازد به مکانیزم‌هایی مانند دستیابی به تکنولوژی‌های پیشرفته برای افزایش کارایی دست یافتند.

علاوه بر این، برخی از کشورهای صنعتی غرب (مانند انگلستان) که عرضه‌کنندگان عمده نفت هستند نمی‌توانند آسیب‌های اقتصادی ناشی از این نوسان‌ها در قیمت‌های نفت را با درآمد حاصل از بهای افزوده نفت جبران کنند و در نهایت بافت اقتصادی کشورهای مذکور با ناهماهنگی‌هایی مواجه خواهد شد. به این دلیل در جریان سقوط قیمت‌ها در سال ۱۹۸۶و در شرایطی که قیمت‌های نفت در سطحی کمتر از ۱۰ دلار برای هر بشکه نفت قرار داشت، کشورهای عضو اوپک و سایر کشورهای دارنده نفت اعم از صنعتی و غیرصنعتی، تلاش‌های وسیعی برای افزایش بهای نفت در سطحی خاص[1] انجام دادند.

آنچه در تحول قیمت‌های نفت نیازمند تلاشی از سوی سازمان اوپک است، بروز یک "جنگ قیمت‌ها" (مانند سال ۱۹۸۶) است. در این زمینه باید اذعان داشت که سیاست‌های برخی از کشورهای نفت‌خیز عمده (مانند عربستان سعودی) که از تئوری نفت ارزان و فروش انبوه دفاع می‌نمایند به واسطه زیان‌هایی که برای بسیاری از کشورهای صنعتی غرب در پی دارد و نیز با تلاش اعضای اوپک تحت کنترل درآمده است، اما این امکان نیز وجود دارد که در جریان یک فعل و

۱. قیمت هجده دلار برای هر بشکه که اکنون به اجرا درآمده است مورد پذیرش همه کشورهای صادرکننده و صنعتی است. تاکنون توجیه واضحی از چگونگی دستیابی تا این سطح مذکور برای پایه قیمت نفت ارائه نشده است (رجوع شود به پانوشت شماره ۲۰).

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

انفعال سیاسی و یا یک تحول عمده تکنولوژیک که آینده بهره‌وری از نفت با قیمت‌های مطلوب را مورد تردید قرار دهد و یا نیازهای مالی فوری یک کشور در شرایط اضطراری چنین اقدامی را ایجاب نماید که با استفاده از ظرفیت مازاد تولید، نفت به میزانی بیش از تقاضا به بازار سرازیر شود و منجر به سقوط قیمت‌ها شود. در این شرایط، با پیوستن تولیدکنندگان عمده دیگر به این رویه، قیمت‌ها به سطحی نازل در چارچوب هزینه تولید آن در کشورهای مذکور تنزل خواهد کرد و سازمان اوپک به دلیل عدم کارایی و اختلافات درونی منحل خواهد شد.[۱]

۳-۶. چگونگی پیشرفت تحولات تکنولوژیک

درحال حاضر با تکنولوژی کنونی و قیمت‌های فعلی نفت خام حداکثر تا ۳۰ درصد نفت خام در جای اولیه[۲] از منابع نفتی استخراج می‌شود. در دهه گذشته تلاش‌هایی برای استخراج حداکثر باقی‌مانده نفت خام در زیر زمین انجام شد تا بتوان باقی‌مانده نفت‌خام زیر زمین را با بخار آب یا مواد شیمیایی استخراج کرد[۳] که هزینه تولید آن با قیمت‌های کنونی نفت قابل رقابت نیست.

درصورتی که‌صنایع‌انرژی به‌تکنولوژی پیشرفته‌تری برای کشف و استخراج نفت (به‌ویژه استخراج از منابع شناخت‌شده فعلی) دست یابد، هزینه تولید هر واحد از نفت تولیدی درکشورهای خاورمیانه نیزکمتراز نفت‌تولیدی از مناطق دیگر خواهد بود. با این وجودکشورهای مختلف به‌ویژه کشورهای صنعتی غرب به دلیل حفظ مصالح ملی و تأمین امنیت انرژی خود نسبت به استخراج از منابع شناخته شده در کشورهایشان اقدام خواهند کرد و در این صورت با استفاده از ابزارهای اقتصادی و سیاسی که در اختیار دارند[۴] از نفوذ سازمان اوپک در بازار انرژی جلوگیری می‌کنندکه در چنین شرایطی این سازمان نمی‌تواند از توانایی‌های خود و امکانات بازار به موقع و به نحو مطلوبی بهره برداری کند.

تکنولوژی نوین از یک سو امکانات استخراج را به نحوه وسیعی فراهم می‌کند و از سوی دیگر، تکنیک‌های پیشرفته و غیرمنتظره‌ای در رابطه با صرفه‌جویی مصرف انرژی به‌ویژه نفت پدید می‌آورد.

---

۱. براساس پیش‌بینی پیردسپری رئیس افتخاری انستیتو نفت فرانسه، با توجه به رشد تقاضا به میزان ۲ درصد تا سال ۱۹۹۵، سازمان اوپک تا ده سال دیگر قادر نیست تا به بازار نفت مسلط شود و قیمت‌ها نیز نمی‌تواند تحت کنترل این سازمان درآید، اما نظم نسبی توسط صادرکنندگان نفت حوزه خلیج فارس در بازار برقرار خواهد شد.

2. Oil in Place

3. Enhenced Oil Recovery (E.O.R)

۴. مانند آژانس بین‌المللی انرژی، وسایل ارتباط جمعی تخصص نفتی و فشار متحدان خود که در اوپک عضویت دارند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در این صورت با سقوط تقاضا در بازار نفت، سازمان اوپک هدف نهایی خود را از دست داده و به دلیل کاهش تقاضای نفت این سازمان با داشتن بزرگترین ذخایر نفت دنیا، با کالای بدون مشتری یا با مشتری اندک مواجه می‌شود و در این شرایط، تجزیه و نابودی اوپک دور از انتظار نخواهد بود و چنین چشم‌اندازی برای سال‌های آینده که بهره‌برداری از انرژی‌های دیگر به سطح تجاری برسد و همچنین انرژی‌های جدید بتوانند جایگزین نفت شوند قابل انتظار است و در شرایط فعلی بازار چنین چشم اندازی دور از انتظار است.

۳-۷. تحولات تولید کشورهای غیراوپک و چگونگی همکاری با اوپک

درحالی‌که نزدیک به ۵۰ درصد از انرژی مصرفی جهان به وسیله نفت تأمین می‌شود و $\frac{۲}{۳}$ ذخایر شناخته شده در کشورهای اوپک قرار دارد، این کشورها به دلیل عدم استراتژی بلندمدت از جهت ایجاد توازن میان قیمت و تولید و حداکثرکردن قیمت در مقابل تولید و اجرای سیاست‌های انفعالی این فرصت را به‌کشورهای غیر اوپک می‌دهندکه نه تنها ازلحاظ سیاسی بلکه به‌عنوان عامل اقتصادی وارد فعالیت‌های تولیدی و صادراتی شوند و ایفای این نقش از اواخر دهه ۱۹۷۰ آغاز و در اوایل دهه ۸۰ به حداکثرخود رسید، به‌گونه‌ای که‌این کشورها به‌عنوان‌یک واقعیت‌انکارناپذیر و تعیین‌کننده در بازار در مقابل سازمان اوپک قرارگرفته‌اند.

باتوجه به اینکه کشورهای دیگر عضو اوپک به دلیل نیازهای حیاتی به درآمد نفت بر خلاف هزینه تولید پایین قادر به تحمل فشارهای ناشی از کاهش قیمت‌ها در اقتصادشان نیستند. از این‌رو نوعی همکاری غیر مستقیم بین کشورهای اوپک و غیراوپک برقرار شد و قیمت در سطح حداقل هزینه تولید درکشورهای غیراوپک (با درنظرگرفتن هزینه‌های ثابت سرمایه‌گذاری) است. بنابراین، در این حد از تعادل قیمت فقط تولیدکنندگان کنونی به فعالیت ادامه می‌دهند و سرمایه‌گذاری جدید در اکتشاف و استخراج به حداقل می‌رسد. در صورت ادامه چنین شرایطی، در دهه آینده به دلیل حجم اندک ذخایر کشف شده کشورهای غیراوپک، این کشورها به تدریج از بازار خارج می‌شوند و با توجه به حجم زیاد ذخایرکشورهای اوپک، بازار دراختیار کشورهای اوپک قرار خواهدگرفت و این‌سازمان درجهت تقویت وتحکیم موضع خود دربازار نفت‌گام بر می‌دارد به‌ویژه همکاری‌هایی میان یکی از کشورهای غیراوپک صادرکننده نفت (نروژ) و سازمان اوپک منجر می‌شودکه درصورت گسترش این همکاری به سایرکشورهای غیراوپک صادرکننده نفت این سازمان اوپک بتواند مقام و موقعیت گذشته خود را در صحنه بین‌المللی به دست آورد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

درصورتی‌که افزایش سهم کشورهای غیر اوپک در کل عرضه نفت در بازار جهانی ادامه یابد و از افزایش سهم اوپک به‌گونه‌ای جلوگیری شود، کنترل قطعی و مؤثر بازار در اختیار کشورهای غیراوپک قرارخواهدگرفت و این سازمان به‌صورت تضعیف شده‌ای درانتظار موقعیت بهتر باقی خواهد ماند. اما، بروز این جریان بسیار ضعیف است و پیش‌بینی مجامع بین‌المللی از جمله (IEA)[1] که در بخش‌های پیش به آن اشاره کردیم و نیز افزایش وابستگی به تولیدات اوپک در سال‌های آینده به دلیل کاهش تولیدات غیر اوپک دور از انتظار خواهد بود.

جدول ۲. سهم تولیدات کل دنیا در سال ۲۰۰۸

	تغییر در سهم (۲۰۰۸- ۲۰۰۷) (درصد)	سهم از کل در سال ۲۰۰۸ (درصد)
daily barrels Thousand		
Total Middle East	۴	۳۱/۹
Total World	۰/۴	۱۰۰
European Union #	-۶/۶	۲/۷
OECD	-۴	۲۲
OPEC	۲/۷	۴۴/۸
Non-OPEC £	-۲	۳۹/۳
Former Soviet Union	۰/۲	۱۶

Source: BP, 2009.

ستون دوم جدول فوق نشان می‌دهد که تغییر در سهم تولیدات برای اعضای اوپک در سال ۲۰۰۸ نسبت به سال ۲۰۰۷ معادل ۲/۷ درصد افزایش یافته و برای سایر اعضا نیز این میزان منفی اعلام شده است. همچنین ستون آخر جدول فوق از سهم تولیدات در سال ۲۰۰۸ برای اعضای اوپک به بالاترین سطح به میزان ۴۴/۸ درصد اعلام شده که این موضوع تأکیدی بر افزایش وابستگی به تولیدات اوپک است.

۳-۸. ساختار آینده سازمان اوپک

پیش از پرداختن به بحث ساختار آینده اوپک می‌بایست این نکته را درنظربگیریم که چرا قیمت نفت تا این اندازه به رویدادهای سیاسی وابسته شده است؟

1. Intenational Energy Agency

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

شاید یکی از دلایل نوسان قیمت‌ها، ساختار جدید بازار بین‌المللی نفت باشد که پس از کسب اختیارات شرکت‌های بزرگ توسط اوپک نه فقط در زمینه قیمت‌گذاری بلکه درکل صنایع بالا دستی ایجاد گردید. فروپاشی کامل نظام امتیازات شرکت‌های خارجی درکشورهای عضو اوپک سبب گسستگی بخش بالا دستی و پایین دستی صنعت نفت شد. یکی از ویژگی‌های اساسی صنعت نفت در گذشته، وجود پیوند بنیادی میان فعالیت‌های بالادستی صنعت نفت یعنی اکتشاف، توسعه و تولید نفت و عملیات پایین‌دستی مانند حمل و نقل، پالایش و توزیع فراورده‌های نفتی بود. بدیهی است که ساختار سرمایه‌گذاری و هزینه در یک بخش از صنعت به بخش‌های دیگر وابسته بود و از این‌رو عرضه نفت خام با توجه به تقاضای فرآورده‌های پالایش شده هماهنگ می‌شد.

صنعت نفت در دوران تسلط شرکت‌ها بر بازار نفت با این روش اداره می‌شد. اما، کشورهای اوپک با کنترل کامل صنعت نفت، این پیوند را قطع کردند. تولیدکنندگان نفت به فروشندگان نفت خام به شرکت‌ها تبدیل شدند که کنترل عملیات پایین‌دستی را دراختیار داشتند. به این ترتیب پس از ملی شدن صنعت نفت، این ساختار تغییر پیدا کرد و نفت به ماده‌ای که به صورت مستقیم خرید و فروش می‌شد تبدیل شد. شرکت‌های نفتی برای اینکه سودشان را درهرحالتی تأمین کنند و با توجه به افزایش حجم معاملات، ساختارهای جدیدی بر بازار نفت تحمیل کردند که بازار سلف از این دسته است. این شرکت‌ها به این موضوع توجه نکردند که نفت خام مانند سایر کالاها نیست و در هر حال نیازمند نظام تجاری متفاوت است.

همان‌گونه که ذکر شد باتوجه به‌روند افزایش تقاضای جهانی برای نفت (که شامل رشد مصرف درکشورهای عضو اوپک نیز است) سازمان اوپک می‌بایست سطح تولیدات خود را برای سال‌های آینده افزایش دهد اما، از آن جایی که بیشتر اعضای اوپک تا این زمان به حداکثر ظرفیت خود نزدیک شده‌اند، دراین‌صورت نمی‌توانند تولید خود را به‌میزان قابل‌توجهی‌افزایش دهند. کشورهایی مانند اندونزی، نیجریه، قطر و الجزایر با چنین وضعیتی مواجه خواهند شد. در رابطه با کشور الجزایر گفته می‌شود که این کشور اخیراً میادین نفتی کشف کرده است و به این ترتیب عمر ذخایر نفتی این کشور طولانی‌تر خواهد شد. اگر اکتشافات قابل توجهی در این کشورها مزبور صورت نگیرد طول عمر ذخایرشان کوتاه‌تر از آن است که بتوانند زمینه را برای توسعه جدی ظرفیت تولیدیشان فراهم کنند. در عین حال، بسیاری از این کشورها به‌ویژه اندونزی و الجزایر رشد بالای مصرف داخلی نفت را دارند و در نتیجه میزان نفت کمتری برای صادرات دارند. بنابراین، این کشورها بدون توسعه ظرفیت تولیدات نمی‌توانند تأثیر مهمی در بازار جهانی نفت بر جای بگذارند.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در مقابل عربستان، ایران، عراق، کویت، امارات متحده عربی بدنه اصلی سازمان اوپک را به دلیل داشتن ذخایر تولیدی بیشتر نسبت به سایر اعضا دارند و نقش مهم‌تری را در سیاستگذاری‌های سازمان ایفا می کنند. بنابراین، اوپک درآینده شامل اعضای محدودتری خواهدبود زیرا تولیدکنندگان کوچک طی سال‌های آینده با ادامه روند فعلی این سازمان و بهره برداری بیش از اندازه، نفت خود را از دست خواهند داد و از این رو نقش پنج عضو مذکور در منطقه خلیج‌فارس از اهیمت بیشتری برخوردار خواهد بود. البته این موضوع به سود اوپک است که با جذب اعضای جدید و مؤثر قدرت سازمان را افزایش دهد. طی دو دهه آینده، بخش اصلی افزایش تقاضای جهانی نفت متوجه این کشورها است که نشان‌دهنده قدرت آینده اوپک در خلیج فارس است. همچنان هزینه تولید در این منطقه در مقایسه با نقاط دیگر جهان پایین‌تر است. بنابراین، چنانچه این کشورها استراتژی‌های بلندمدت مطلوبی را طراحی کنند قادرند نقش خود را در بازار جهانی نفت به خوبی ایفا کنند. هدف اوپک برای نیل به رهبری قیمت‌ها می بایست با تنظیم استراتژی سازمان به حدی از سهم بازار تحقق یابد که متضمن قیمت‌های قابل قبول برای آنان باشد.

اهمیت نفت برای توسعه اقتصادی کشورهای مختلف جهان سبب می‌شود که سیاست‌ها و اهداف سیاسی بازیگران مختلف و آثار بسیاری تحولات بازار نفت از خود به جای بگذارد. از یک سو، اختلاف منافع تولیدکنندگان با مصرف‌کنندگان و از سوی دیگر اختلاف منافع میان گروه‌های مختلف تولیدکننده یا گروه‌های مختلف مصرف‌کننده ممکن است شرایطی را به وجود آورد که با معیارهای محض اقتصادی قابل تبیین نباشد. نابرابری‌های عظیم اقتصادی، سیاسی و نظامی بین بازیگران مختلف بازار نفت به ویژه بین تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان تأثیر بسزایی در ساختار بازار نفت و اوپک دارد. برای تحقق وضعیت بهینه عرضه و تقاضا که در آن، سطح قیمت‌ها روند افزایشی قابل قبولی دارند لازم است که ظرفیت جمعی سازمان در سطحی بیشتر از تقاضا برای نفت اوپک باقی بماند، اما نه به میزانی که بر قیمت فشار وارد سازد. اوپک طی نیمه اول دهه ۱۹۹۰ سهم بزرگی از درآمد خود را که به آن نیاز شدیدی دارد صرف ایجاد ظرفیت مازاد کرد. در حقیقت، اوپک با سرمایه خود قیمت نفت را متزلزل کرد. این سیاست ناآگاه از سوی اوپک به ایجاد دوره‌ای از ظرفیت مازاد در سراسر دهه ۱۹۹۰ منتهی شده است. بنابراین، موضوع ضرورت مدیریت ظرفیت و کنترل ظرفیت مازاد می‌بایست از مهم‌ترین اصولی است که باید توسط این سازمان موردتوجه قرار گیرد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

همان‌گونه که ذکر شد پس از رویدادهای سال های (۱۹۷۴-۱۹۷۳) و افزایش نقش اوپک در بخش بالادستی و تعدیل قیمت‌ها، مصرف‌کنندگان عمده به توهم امنیت عرضه نفت شدند و به مقابله با اوپک پرداختند. اهداف کشورهای صنعتی تنها بالابردن قدرت انعطافشان نسبت به واردات نفتی و کاهش وابستگی به واردات که هدف منطقی است نبود بلکه هدف، تضعیف اوپک و کاستن از قدرت انعطاف اعضای آن در برابر نوسان های بازار نفت بود. تلاش‌های مصرف‌کنندگان عمده برای افزایش تولید انرژی در داخل به کاهش مصرف از طریق صرفه‌جویی، جایگزینی و تنوع بخشیدن به منابع وارداتی، سیاست‌های معقولی هستند که هرکشوری در اتخاذش آزاد است. اما، برخی ازموضع‌گیری‌های کشورهای صنعتی دربرابر تولیدکنندگان و بازارنفت متفاوت است. دراینجا به برخی موضع‌گیری‌های مختلف اشاره می‌کنیم که عبارتند از:

- تحریف تصویر عرضه وتقاضا دربازار نفت ازطریق وضع مالیات‌های سنگین بر فرآورده‌های نفتی که در این کشورها مصرف می‌شوند.
- استفاده مداوم از ذخایر نفتی استراتژیک و تجاری به میزان بسیار زیاد که به‌راحتی قابل سوءاستفاده و فشار بر بازار است.
- برخورد ترجیحی نسبت به سود کشورهای غیراوپک در مقابل کشورهای عضو اوپک
- خرید نفت خام تولیدکنندگان غیراوپک در مرحله اول و تبدیل اوپک به عرضه‌کننده نهایی
- تبعیض در امر سرمایه‌گذاری در زمینه‌های مختلف بر ضد اوپک

مجموعه‌ای ازسیاست‌های فوق، فضای تفاهم و همکاری مفید مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را نامساعد ساخته است. با این موضع‌گیری‌ها توسط کشورهای صنعتی، واکنش بعدی اوپک نیز می‌تواند به یک بحران نفتی دامن زند.

باتوجه به آنچه مطرح شد، اهداف و مأموریت‌های سازمان اوپک که در اصل عمدتاً بر پایه تعیین سقف تولید جمعی و تعیین قیمت استوار است و می‌بایست مورد بازنگری قرارگیرد و مباحثی مانند نحوه سرمایه‌گذاری و اصول قراردادها با شرکت‌های خارجی، کنترل و سهمیه بندی ظرفیت تولید آینده، نظام نظارت بر تولید و عرضه و سیاست‌های بازاریابی هماهنگ را مورد توجه قرار دهد.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

۴. نتیجه‌گیری و ارائه پیشنهادات

این مطالعه با رویکرد تحلیلی به وضعیت و ساختار آینده سازمان اوپک در بازار نفت اشاره داردکه از بررسی و تحلیل عوامل تأثیرگذار برجایگاه سازمان در آینده این نتایج به‌دست آمده است‌که عبارتند از:

- تحولات داخلی اوپک می‌بایست در جهتی تکامل یابند که این سازمان از وضعیت کنونی به وضعیت با ثباتی تغییر یابد و انسجام و استحکام داخلی آن افزایش یابد. در این شرایط انتظار می‌رود که افزایش انسجام میان اعضا در رعایت دستور العمل‌های اوپک در تمام زمینه‌ها به ویژه در رعایت سهمیه‌های تولیدی از سوی اعضا به افزایش کنترل و نظارت اوپک بر بازار نفت منتهی‌گردد و از این رو اوپک قدرت بیشتری در هدایت روند قیمت‌ها خواهد داشت.
- در صورتی‌که جریان‌های سیاسی عمده‌ای در مناطق حساس نفتی و یا استراتژیک به وجود آمد و یا تحولات سیاسی داخلی در اوپک رخ دهد، جهش قیمت‌ها را موجب می‌شود. گسترش بی‌ثباتی‌های سیاسی در داخل کشورهای عضو اوپک و حتی میان اعضای آن منجر به تضعیف قدرت سازمان می‌شود و به این ترتیب از قدرت سیاستگذاری‌های اوپک برای کنترل و هدایت بازار و قیمت‌ها در برابر آشفتگی‌های بازار می‌کاهد. از سوی دیگر،گسترش بی‌ثباتی‌های سیاسی در بازار و در بین اعضای اوپک به عنوان دارنده بزرگترین ذخایر نفتی دنیا به دلیل افزایش نگرانی از سوی مصرف‌کنندگان منجربه افزایش وحتی جهش قیمت‌ها می‌شود. همچنین روندهای افسارگسیخته قیمت‌ها هم درجهت کاهش و هم درجهت افزایش زمینه بروز بی‌ثباتی‌های بیشتر است و برمشکلات بی‌ثباتی گذشته می افزاید.
- امکان کاهش قدرت اوپک و انحلال آن: در شرایطی‌که قیمت‌ها سقوط‌کرده تولید اوپک به سرعت افزایش می‌یابد و سهم اوپک درمجموع تولید جهانی نیز افزایش خواهدیافت.[1] بدیهی است در این صورت، اتکای بازار به نفت کشورهای عضو اوپک بیشتر خواهد شد و خروج تعداد زیادی از تولیدکنندگان بازار منجر به افزایش شدید قیمت‌ها خواهد شد. برای مقابله با این شرایط، برنامه‌ریزی‌های فعلی سازمان اوپک می‌بایست برمبنای تقویت جایگاه این سازمان درآینده بنا شود و تنها در این صورت است که این سازمان دارنده بزرگترین ذخایر نفتی جهان می‌تواند از این منبع انرژی جهان منافع کافی و لازم را هم به لحاظ ابعاد اقتصادی و به لحاظ ابعاد سیاسی برای خود و اعضایش جلب کند. این هدف مهم تنها از طریق سرمایه‌گذاری‌های فعلی برای گسترش تولیدات

۱. با توجه به هزینه تولید پایین کشورهای عضو و خارج شدن تولیدکنندگان از بازار.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

در آینده و مدیریت صحیح مخازن از سوی اعضای اوپک برای حفظ و کنترل سطح تولیدات در آینده محقق می‌شود.

• اوپک تنها نهادی است که می‌تواند بحران‌های ناشی از عرضه و قیمت را در بازار جهانی نفت به نحو مؤثری مدیریت کند. با این وجود، ساختار بازار جهانی نفت و روابط اوپک و غیراوپک به‌گونه‌ای است که نتایج اقدامات اوپک در مدیریت بحران قیمت، معمولاً به سود مصرف‌کنندگان بزرگ نفت در کشورهای پیشرفته صنعتی و تولیدکنندگان غیراوپک است. در این شرایط و تا آینده قابل پیش‌بینی کشورهای بزرگ صنعتی نمی‌توانند بدون اوپک به هدف اصلی خود یعنی تنوع بخشی به عرضه برای تأمین امنیت عرضه برسند و درنتیجه، وجود اوپک تا آینده قابل پیش‌بینی برای هدایت بازار نفت ضروری است.

منابع

درخشان، مسعود (۱۳۸۱)، "اوپک و منافع ملی"، *نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، شماره ۳۴، صص ۲۳۴ -۱۸۹.

درخشان، مسعود (۱۳۸۱)، "منافع ملی وسیاست‌های بهره‌برداری ازمنابع نفت وگاز"، *نشریه مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی*، شماره ۳۴، صص ۶۶ -۱۳.

شکاری، مهری (۱۳۸۷)، *تأثیر ظرفیت های مازاد تولید بر روی رفتار اوپک*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر مسعود درخشان و دکتر سید احمد رضا جلالی نائینی، دانشگاه الزهرا.

مزرعتی، محمد (۱۳۸۶)، "امنیت انرژی، دو روی یک سکه: امنیت عرضه و امنیت تقاضای انرژی"، *فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی*، سال چهارم، شماره ۱۳، صص ۸۷-۷۱.

Abosendra, S. & H .Baghestani (2004)," On the Predictive Accuracy of Crude Oil Production Futures Prices", *Energy Policy*, Vol. 23, No. 4, PP. 12 -28.

Cunado, J. & F. Perez De Garcia (2005), "Oil Prices, Economic Activity and Inflation: Evidence for Some Asian Countries", *The Quarterly Review of Economics and Finance,* Vol. 45, PP. 65–83

Ezzati, A. (1976), "Future OPEC Price and Production Strategies as Affected by its Capacity to Absorb Oil Revenues", *European Economic Review*, Vol. 8, No. 2, PP.112-129.

Fisher, D.Galty & D. Kyle (1975), "The Prospect for OPEC :a Critical Survey of Models of the World Oil Market", *Economics,* Vol.2, PP.363-386.

Hamilton, J.D. (1983), "Oil and the Macroeconomy Since World War I*", Journal of Political Economy*, Vol. 91, PP. 228-248.

Johany, A. D. (1979),"OPEC and the Price of Oil: Cartelization or Alteration of Property Rights", *The Journal of Energy and Development*, Vol. 5, No. 1, PP.72- 80.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]

Jones, C. (1990), "OPEC Behavior Under Falling Prices: Implications for Cartel Stability", *The Energy Journal*, Vol. 11, No. 3, PP. 117-129.

Jimenez-Rodriguez, R. & M. Sanchez (2005), "Oil Price Shocks and Real GDP Growth: Empirical Evidence for Some OECD Countries", *Applied Economics,* Vol. 37, PP. 201-228.

Kaufman R. K., Dees, P. Karadeloglou & M. Sanchez (2004), "Dose OPEC Matter? An Econometric Analysis of Oil Prices", *The Energy Journal,* Vol.25, No.4,PP.67-90.

Killian, L. (2007), "The Economic Effects of Energy Price Shocks", *Journal of Economic Litreature,* Vol. 13, PP. 35-54.

Kilian, L. (2008), "Exogenous Oil Supply Shocks: How Big are They and How Much do They Matter for the US Economy?", *Review of Economics and Statistics,* Vol. 90, PP. 216-240.

Lee, B.R., Lee & K. Ratti(2001), "Monetary Policy, Oil Price Shocks, and Japanese Economy", *Japan and the World Economy,* Vol. 13, PP. 321-349.

Macavoy, P. (1982), "Crude Oil Prices as Determined by OPEC and Market Fundamentals", Ballinger Publishing Company, Cambridge, MA.

Matutes, C. (1988), *The Center of OPEC: an Econometric Analysis,* Memo, Department of Economics, University Of California, Berkeley.

Wirl, F. & A. Kunjundzic (2004), "The Impact of OPEC Conference Outcome on World Oil Prices (1984-2001)", *The Energy Journal,* Vol. 25, No. 1, PP. 45-62.

[Downloaded from ejip.ir on 2026-11-01]